

تحلیل روابط ایران و عربستان از منظر نظریه «واکنش‌های زنجیره‌ای»

ابراهیم معراجی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

چکیده

واکنش‌های زنجیره‌ای به گونه‌ای رفتار متوالی بازیگران عرصه بین‌المللی اطلاق می‌شود که در آن، کنش بازیگری منجر به واکنش دیگری شده و در نهایت مناسبات آنها را در مسیری خاص قرار می‌دهد. این رفتارهای سلسله وار عمدتاً هم‌تراز یا گسترده تر خواهد بود و بر پایه درک آنها از نیات یکدیگر شکل می‌گیرد. کنشگری عربستان و ایران در سالهای اخیر از قطع روابط تا برقراری مجدد آن مسیری را طی کرده که عمدتاً از برداشت آنها از نیات یکدیگر نشات گرفته است. همواره فراز و فرودهای روابط ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه تأثیرات قابل توجهی بر مناسبات کلی منطقه داشته است. هویت مذهبی و زبانی متفاوت و اقتصاد غیر مکمل و نگاه امنیتی طرفین بر کنشگری آنها در برابر یکدیگر، روابط این دو قدرت منطقه‌ای به سمتی کشانده تا در بهترین شرایط رقیب یکدیگر باشند. هدف پژوهش کیفی حاضر با روش توصیفی و تبیینی بررسی و تحلیل مناسبات دو کشور از منظر «واکنش‌های زنجیره‌ای» است و در پی پاسخ به این سوال است که فهم دو کشور از رفتار یکدیگر چگونه منجر به توالی واکنش‌ها گردیده و در نهایت چگونه بر مناسبات آنها موثر بوده است. این گونه به نظر می‌رسد که درک دو کشور از رفتار یکدیگر در گذشته منجر به توالی واکنش‌های منفی شده که در نهایت به قطع روابط آنها منجر گردیده و از طرف دیگر تلاش‌ها در جهت کاهش تنش‌ها و درک مشترک هزینه بیشتر روابط خصمانه به نسبت روابط عادی، موجب تمایل دو طرف به برقراری مجدد روابط شده است.

کلید واژه: ایران، عربستان، واکنش‌های زنجیره‌ای، توالی رفتارها.

۱- مقدمه

ترین کشور شیعه منطقه و عربستان شاخص گونه‌ای از اسلام سلفی داعیه رهبری جهان اسلام را دارند. امروزه عربستان از جمله متحدین اصلی منطقه‌ای آمریکا است؛ این درحالی است که از مهمترین اهداف منطقه‌ای ایران، خروج ایالات متحده از مناسبات منطقه است. سطوح گسترده‌ای از نقاط افتراق میان دو کشور نمایان است. پر واضح است که وزن تفاوت‌های

روابط دو کشور عربستان و ایران همواره از منظر صاحب نظران دارای اهمیت بوده است. آشکار است روابط آنها بر معادلات کلی منطقه خاورمیانه تأثیر بسزایی داشته است. این گونه می‌توان گفت که دو کشور، به گونه‌ای نماینده اصلی دو نوع اسلام سیاسی در منطقه هستند. لذا منطقه ایده آل از منظر هر یک تفاوت‌های گسترده‌ای دارد. ایران به عنوان عمده

^۱ استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایمیل: ebrahim.meraji@gmail.com

است که یک عامل واکنشی یا محصول جانبی آن، باعث وقوع واکنش‌های اضافی می‌شود. در یک واکنش زنجیره‌ای پی‌آمد مثبت هر واکنش می‌تواند نیرومندتر گردانیدن پی‌آمد واکنش پیشین باشد.

واکنش زنجیره‌ای به گونه‌ای تئوری اطلاق می‌شود که بر مبنای آن می‌توان توالی رویدادهایی را مشاهده کرد که از هم افزایی انرژی‌های متراکم و با قابلیت‌های بلاقوه حاصل می‌شود. به بیان دیگر جرقه‌ای موجبات توالی پدیده‌ها را منجر می‌گردد. این گونه می‌توان گفت که جرقه اولیه در واکنش‌های زنجیره‌ای شرط لازم در وقوع پدیده‌ها است و بستر لازم برای توالی واکنش‌ها شرط کافی محسوب می‌شود. استعاره‌ای که از این مفهوم آورده می‌شود، یک گلوله برف است که از بالادست رها می‌گردد و حاصل آن در قسمت‌های پایین یک بهمن بزرگ است. اثر گلوله برفی^۲ فرایندی است که چیزی از حالت اولیه کوچک یا کم‌اهمیت خود به چیزی بزرگتر و (مهم‌تر و جدی‌تر) و همچنین شاید به‌طور بالقوه خطرناکتر یا مصیبت‌بارتر (مانند زنجیره‌ای از حوادث شر) تبدیل شود یا به چیزی مفیدتر (زنجیره‌ای از حوادث خیر) تبدیل شود. بر این اساس دو گزاره واجد اهمیت است. ابتدا جرقه اولیه و اراده حاصل از رهاسازی و امتداد داشتن آن و دوم زمینه و بستر موجود برای هم‌افزایی. لذا در صورتی که اراده اولیه برای رهاسازی وجود داشته باشد ولی بستر ضروری فراهم نباشد، یا زمینه لازم موجود باشد ولی اراده اولیه برای شروع یک کنش واحد به وجود نیاید، شاهد توالی کنش و واکنش‌ها نخواهیم بود. به بیان دیگر زمینه‌های کنشگری در عرصه فعالیت دومین عنصر دارای اهمیت است تا پدیده‌ای به وقوع بپیوندد. در عرصه بین‌المللی می‌توان واکنش زنجیره‌ای را در بسترهای متفاوتی مشاهده کرد. هیچ رویدادی در عرصه بین‌المللی تک‌ساحتی نیست و حتما دارای زمینه‌ها و بسترهای داخلی و بین‌المللی می‌باشد تا وقوع پدیده‌ها را شاهد بود. کاربست واکنش‌های زنجیره‌ای در تحلیل بحران‌های بین‌المللی، چه در وقوع آن و چه در مدیریت آن قابل اطلاق می‌باشد. این تئوری در روابط بین‌الملل بر این فرض استوار است

هویتی در مناسبات آنها سنگین‌تر از اشتراکات موجود می‌باشد و لذا می‌توان در بهترین شرایط آنها را رقیب منطقه‌ای دانست. در طی دهه گذشته مناسبات دو کشور تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. از قطع روابط در ژانویه ۲۰۱۶ تا تلاش برای برقراری مجدد روابط و عادی‌سازی آن در ۲۰۲۳. عوامل متعدد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در این تحولات موثر بوده است. اما نکته حائز اهمیت این است که در قطع روابط و برقراری مجدد آن شاهد طیفی از کنش و واکنش از هر دو سو بوده ایم که در نتیجه نهایی موثر بوده است. این کنش و واکنش‌های زنجیره‌ای دارای ابعاد وسیعی است که جنبه‌های مختلف منطقه‌ای را نیز در بر می‌گیرد. واکنش‌های زنجیره‌ای در وقوع یک پدیده مستلزم اراده کنشگر به عنوان شرط لازم و بستر مطلوب برای کنشگری بازیگر می‌باشد. مقاله حاضر در پی بررسی و تحلیل این واکنش‌های زنجیره‌ای و تاثیر آن بر مناسبات دوجانبه می‌باشد و در پی پاسخ به این سوال اصلی می‌باشد که فهم دو کشور از رفتار یکدیگر چگونه منجر به توالی واکنش‌ها گردیده و در نهایت چگونه بر مناسبات آنها موثر بوده است. در پاسخ به این سوال، نویسنده معتقد است که درک دو کشور از رفتار هم در گذشته منجر به توالی واکنش‌های منفی شده که در نهایت به قطع روابط آنها منجر گردیده و از طرف دیگر تلاش‌ها در جهت کاهش تنش‌ها و درک مشترک هزینه بیشتر روابط خصمانه به نسبت روابط عادی، موجب تمایل دو طرف به برقراری مجدد روابط شده است. جهت بررسی و تحلیل موضوع، در مقاله حاضر ابتدا سعی گردیده تا مفهوم نظریه واکنش‌های زنجیره‌ای بیان گردد و در ادامه به واکاوی زنجیره‌های متوالی که منجر به قطع و برقراری مجدد روابط میان ایران و عربستان از ۲۰۱۲ پرداخته شده است. و در نهایت با کاربست نظریه واکنش‌های زنجیره‌ای سعی در تحلیل پدیده قطع روابط و عادی‌سازی آن دارد.

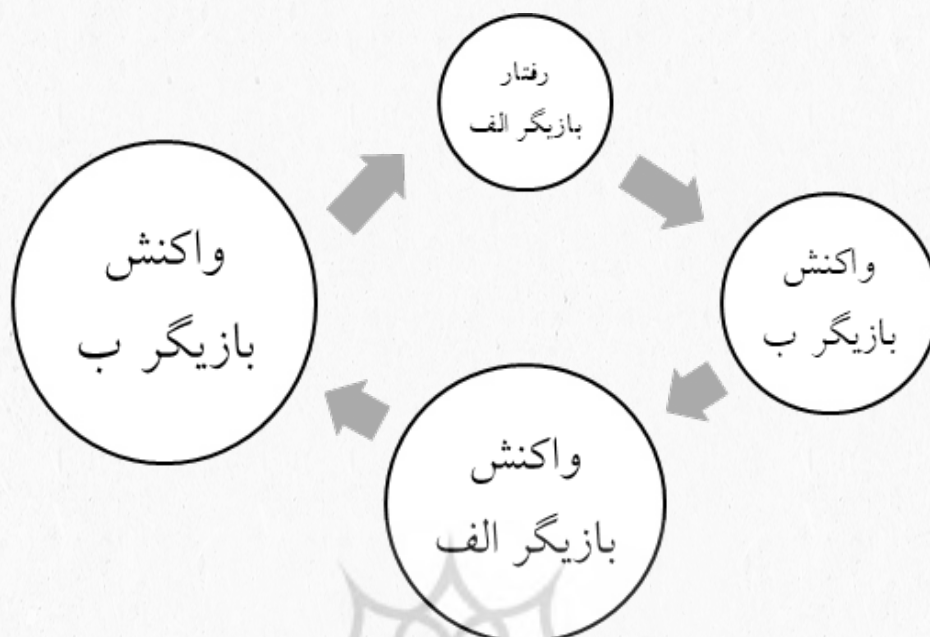
رهیافت نظری

واکنش زنجیره‌ای^۱ دنباله‌ای از واکنش‌های متوالی

2 Snowball effect

1 chain reaction theory

که هرگونه تغییر در رفتار یک کشور، ممکن است به تغییرات در رفتار بازیگران دیگر منجر گردد.



شکل ۱: مراحل تشدید واکنش‌های زنجیره‌ای بازیگران
(منبع: نویسنده)

اگر بازیگر ب افزایش توانمندی بازیگر الف را تهدیدی علیه خود درک کند، به تناسب به افزایش حوزه‌های قدرت خود خواهد پرداخت و این زنجیره واکنش‌ها ادامه خواهد یافت. اما در صورتی که درک ناشی از افزایش توانمندی الف برای ب تهدید قلمداد نشود، توالی واکنش‌ها روی نخواهد داد. برای مثال احتمالاً افزایش توانمندی نظامی آمریکا برای کانادا معنی متفاوتی با کوبا یا ونزوئلا دارد.

استفان والت^۳ معتقد است که دولت‌ها نه از قدرتمندترین دشمنان، بلکه از تهدیدآمیزترین آنها می‌ترسند و در مقابل آنها دست به موازنه می‌زنند. به اعتقاد وی احساس تهدید، خود تابعی از چهار عامل قدرت متراکم کشور یا عامل تهدیدزا، توانایی تهاجمی و نیات تهاجمی آن و مجاورت و نزدیکی جغرافیایی منبع تهدید است. (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹)

بر این اساس درک تهدید به مثابه همان گلوله برفی خواهد بود که توالی واکنش‌ها را منجر می‌شود. پر واضح است که درک تهدید از منظر عربستان و

مفهوم «تسری» مورد توجه نظریه‌پردازانی کارکردگرایی مانند هاس^۱ و میترا نی^۲ است. اما نکته حائز اهمیت این است که آنها تمرکز خود را بر ابعاد مختلف حیات اقتصادی قرار داده‌اند و متعقدند که جنبه‌های مختلف گزاره‌های اقتصادی به هم وابسته هستند و از بحث خود به این نتیجه می‌رسند که هر اقدامی برای همگرایی و همکاری در یک بخش، مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر است. به بیان دیگر همکاری از یک بخش به بخشی دیگر سرریز می‌شود. (معراجی و دهشیار، ۱۴۰۱: ۵)

تفاوت تئوری واکنش‌های زنجیره‌ای با کارکردگرایان این است که زمینه و بستر را صرفاً همکاری قرار نمی‌دهد و از این حیث نسبت به کارکردگرایی جامع‌تر است و از طرف دیگر شروع و تسری گزاره‌ها و وقوع پدیده همانطور که کارکردگرایان متعقد هستند به ضرورت از مسائل فنی آغاز نمی‌شود.

نکته حائز اهمیت در واکنش بازیگران به رفتار دیگری، برداشت حاصله از نیت کنشگر اولیه است.

1 Ernst Haas

2 David Mitrany

3 Stephen Walt

اسد بود و از گروه‌های مخالف آن پشتیبانی میکرد. در واقعه جنبش‌های اجتماعی کشورهای عرب که به سرنگونی برخی از حاکمان آن انجامید مواضع متفاوت ایران و عربستان کاملاً مشهود بود. برای مثال در خیزش بحرین، مصر و یمن به وضوح دو کشور سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفتند.

برداشت‌های متفاوت پیرامون امنیت منطقه

از عمده‌ترین مسائل موجود که بر عمق اختلافات دو جانبه موثر بوده است، تفاوت در دیدگاه امنیتی در خاورمیانه است. ایران و عربستان چارچوب و نظام امنیتی متفاوتی را در دستور کار خود دارند. این امر منجر به افزایش دامنه رقابت‌ها و کشمکش‌های منطقه‌ای شده است. رویکرد امنیتی عربستان بر مبنای هم‌پیمانی با آمریکا است که به حضور پررنگ آمریکا در منطقه انجامیده است. ایران طرفدار یک سیستم امنیتی بومی و پایدار است که نقش کنشگری ایران در تامین آن لحاظ شده باشد. این دیدگاه در تعارض با نظر طرف عربستانی است که در پی درگیری و تعهد ایالات متحده در ترتیبات امنیتی منطقه است. لذا نگاه درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای از امنیت از مهمترین مختصات دیدگاه دو طرف میباشد. از طرف دیگر عربستان به دنبال حفظ موازنه قوا با ایران است. بنا بر این تحلیل هرگونه تلاش ایران برای ارتقا مولفه‌های قدرت از طرف عربستان تهدید قلمداد شده و به دنبال مقابله با آن برآمده است. (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۶۲)

تفاوت‌های دیدگاه پیرامون امنیت منطقه و رقابت‌های دو طرف منجر به بازی با حاصل جمع جبری صفر گردید، به این معنا که کنش هر طرف به منظور تحقق امنیت بر مبنای رویکرد آنها، به معنای کاهش امنیت برای طرف مقابل است.

استفان والت در این زمینه معتقد است که در برخی از مقاطع زمانی، برخی از بازیگران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به جهت کسب امنیت «پیوستن به بازیگر مسلط» را در برابر موازنه با نیروهایی که در صدد کسب هژمونی هستند، ملاک عمل قرار میدهند.

ایران از کنش‌های یکدیگر، منجر به واکنش‌های متوالی گردیده و در نهایت روابط این دو کشور را شکل داده است.

واکاوی کنش‌های متقابل ایران و عربستان از سال ۲۰۱۳

با دلایل عدیده‌ای از جمله ناشی از تفاوت‌های هویتی، روابط دو کشور از زمان پیش از انقلاب پتانسیل بالایی از تنش را داشته است. اما عنصر ساختاری و نقش آنها در نظام دو قطبی به عنوان بازیگران غرب گرا، منجر به ایجاد تعادل و کنترل تنش‌های دو جانبه میگردد. نقش دو کشور در سیاست ستونی نیکسون روابط دو کشور را قوام میبخشید اما پس از انقلاب و خارج شدن ایران از مدار کشورهای غرب گرا، مناسبات دو کشور را وارد مسیر تازه‌ای کرد. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت مناسبات دو جانبه نکاست بلکه این روابط را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی بالایی بخشید. در دهه نخست پس از انقلاب ایران، روابط دو کشور به تیرگی گرایید؛ ساختارهای ویژه سیاسی همراه با آموزه‌های سنتی و مذهبی و ایده‌های سلفی به موجودیت عربستان سعودی ترکیبی منحصر به فرد بخشیده است. (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲)

رهبران عربستان داعیه رهبری جهان عرب را دارند و از طرف دیگر وجود حرمین شرفین در این کشور منجر به کسب امتیازهای سیاسی و معنوی و تقویت جایگاه آن در منظر مسلمانان بوده است. از سوی دیگر نظام برآمده از پس انقلاب اسلامی در ایران نیز داعیه رهبری جهان اسلام را داشت و از جنبش‌های منطقه‌ای حمایت میکرد. حاکمیت ارزش‌های انقلابی، گرایش به آرمان‌های اسلامی و اصل صدور انقلاب از اصولی بودند که از منظر سیاسی موجبات اختلافات عمیق دو کشور گردید. (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۵۰)

نمود بیرونی مبانی اختلافات دو طرف در دهه اخیر را در سیاست‌های منطقه‌ای آشکار است. در جنگ داخلی سوریه حاکمیت ایران از اصلی‌ترین حامیان بشار اسد بود و آشکارا در این مسیر فعالیت میکرد این درحالی است که عربستان سعودی مخالف حضور

به دلیل تفاوت در رویکرد ایران و عربستان در ابعاد مختلف و نهادینه شدن تنش دوجانبه، کنشگری هر طرف به واکنشی متوازن یا بیشتر از طرف دیگر می‌انجامید.

کنش‌های زنجیره‌ای منجر به قطع روابط

۱. جنبش‌های اجتماعی کشورهای عرب: در جریان جنبش‌های اجتماعی در کشورهای عرب یا بهار عربی^۴، آشکارا رویکرد ایران و عربستان در دو طیف مختلف قرار داشت. این اختلاف رویکرد را مشخصاً در یمن و سوریه می‌توان مشاهده کرد. ایران طرفدار دولت مستقر در سوریه بود و عربستان از مخالفین دولت حمایت میکرد. این رویکرد پیرامون یمن بسیار جدی تر بود. وضعیت یمن برای امنیت عربستان دارای اهمیت بالایی است لذا حمایت ایران که از حوثی‌های یمن تقابل میان عربستان و ایران را جدی تر نشان میداد. حوزه‌های مورد اختلاف در جریان جنبش‌های اجتماعی کشورهای عرب را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

(Walt, ۱۹۸۷: ۳۶)

بر این اساس هرگاه ایران به منظور افزایش قدرت نظامی خود به آزمایش‌های موشکی دست می‌زد یا فعالیت‌های هسته‌ای خود را توسعه میداد، شاهد پیوند بیشتر میان ایالات متحده و عربستان بوده ایم و خرید تسلیحات از سوی عربستان افزایش می‌یافت. (نجفی سیار و قلخان‌باز، ۱۳۹۶: ۱۴۹-۱۵۰)

از سوی دیگر آرمان‌های انقلاب اسلامی بر مبنای صدور انقلاب که منجر به گسترش نیروهای غیر دولتی و توسعه فعالیت جنبش‌های منطقه‌ای شد همواره از جانب عربستان مورد انتقاد قرار داشت. عربستان ایران را متهم به گسترش اندیشه شیعه در منطقه‌ای میکرد که اکثر دولت‌های آن دارای مذهب سنی هستند. این نگاه متفاوت به امنیت منطقه در نهایت منجر به بروز تنش‌های پی در پی در روابط دوجانبه گردیده که به قطع روابط آنها منجر شد.

توالی پدیده‌ها در روابط دو جانبه ایران و عربستان: از قطع روابط تا برقراری مجدد آن

جدول ۱: تفاوت رویکرد ایران و عربستان پیرامون جنبش‌های اجتماعی کشورهای عرب

محوورهای اختلاف	رویکرد ایران	رویکرد عربستان
مصر	حمایت از برکناری مبارک و حمایت از انتخاب مرسی و همچنین مخالف حضور نظامیان در قدرت	مخالف برکناری مبارک و حمایت از حضور نظامیان
بحرین	حمایت از معترضان شیعه	حامی دولت مستقر و حمایت از آن در مواجهه با مخالفان
عراق	حمایت از نخست وزیر نوری مالکی	مخالف نوری مالکی و حمایت از مخالفان وی
یمن	حمایت از انصارالله یا حوثی‌های یمنی	حامی دولت پیشین و مخالف حوثی‌ها
سوریه	حمایت از رهبری اسد	مخالف حضور اسد و حامی مخالفان حاکمیت

(عزیزی، ۱۳۹۲)

موجبات افزایش تنش میان عربستان و ایران شد. در آن سال، محمد بن سلمان که وزیر دفاع بود عربستان را وارد یک کارزار نظامی در یمن کرد؛ جنگی که ابتداء داخلی بود تبدیل به یک نبرد نیابتی منطقه‌ای شد. ریاض از دولت تبعیدی یمن در برابر حوثی‌های مورد حمایت ایران که صنعا، پایتخت این کشور را در اختیار دارند، حمایت می‌کرد. تنش‌ها با ایران که آن زمان هنوز در توافق هسته‌ای با قدرت‌های جهانی بود، با اعدام شیخ نمر^۱ توسط عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ تشدید و تیره شد و زمانی که معترضان به مکان‌های دیپلماتیک عربستان در ایران یورش بردند ریاض روابط خود را با تهران قطع کرد. (کرمی و اقارب پرست، ۱۴۰۱: ۱۵۱-۱۵۲)

ویژگی‌های حاکمان عربستان پس از ۲۰۱۵ بر مقابله با کنشگری ایران بر مناطق عربی تاکید داشت. برای مثال محمد بن سلمان در مصاحبه خود با نیویورک تایمز ضمن اشاره به منفی بودن تحولات در منطقه که به واسطه وقوع انقلاب ایران رخ داده گفت: «پس از وقوع انقلاب در ایران حکومتی با عقاید افراطی و برای پیشبرد بنیادگرایی اسلامی در ایران روی کار آمد که در نظر داشت این انقلاب و تفکرات خود را به سایر کشورهای منطقه صادر کند». (The New York Times, ۲۰۱۷)

یکی از مولفه‌های تنش‌های فزاینده در روابط ایران با عربستان در دوران اخیر را می‌توان در تغییر حاکمان سعودی و نگاه به حذف ایران از معادلات منطقه‌ای دانست. از مهمترین عناصر مقوم این رویکرد عربستان در نظام بین‌المللی به قدرت رسیدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا بود که کاملاً با این رویکرد عربستان همسویی داشت. ترامپ با استراتژی القاء خطری که از جانب ایران متوجه عربستان است، سعی در اقناع رهبران عربستان در ضرورت تامین امنیت و افزایش خرید تسلیحاتی از طرف آمریکا داشت. (جهانگیری و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۰)

۵. توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران:

توافق قدرت‌های بزرگ و ایران بر سر برنامه‌های هسته‌ای تأثیرات مهمی بر کنش‌های بازیگران منطقه

۲. **وضعیت لبنان:** کنشگری منطقه‌ای ایران همواره مورد انتقاد مقامات سعودی بوده است. یکی از عرصه‌های مورد انتقاد حمایت‌های ایران از حزب الله لبنان است. عربستان معتقد است که ایران در پی گسترش نفوذ خود از طریق تشکیل هلال شیعی تا دریای مدیترانه است و یکی از ابزارهای مهم آن تقویت جنبش‌هایی مانند حزب الله است. (ضرغامی، ۱۳۹۳: ۱۹۸)

حزب الله لبنان مهمترین جنبش موثر از انقلاب اسلامی است که در منطقه تشکیل شده است و به وضوح مورد حمایت ایران است. این جنبش به جهت مقابله با اسرائیل در برابر حملات آن به خاک لبنان شکل گرفت و آشکارا پیرو رویکرد منطقه‌ای ایران است. عربستان سعودی تلاش ایران در حمایت از آن را نمونه‌ای از فعالیت‌های بی‌ثبات کننده ایران میدانست که در صدد تقویت نقش منطقه‌ای ایران در کشورهای عربی است. ورود حزب الله در حمایت از دولت سوریه برای مقابله با نیروهای مخالف دولت که عموماً از طرف عربستان حمایت میشد، نمونه آشکاری از تفاوت‌های کنشگری ایران و عربستان در منطقه است.

۳. **حادثه منا:** یکی از مهمترین وقایعی که در روابط سالهای اخیر میان ایران و عربستان تأثیر سو داشته حادثه‌ای است که در سپتامبر ۲۰۱۵ روی داد و طی آن بیش از ۴۰۰ زائر ایرانی در هنگام برگزاری مراسم حج جان خود را از دست دادند (یزدانی، ۱۳۹۵: ۲۳) ایران رسماً مقامات عربستانی را به دلیل ضعف مدیریت در برگزاری مراسم مسئول دانست و از ممانعت مسئولان سعودی در تشکیل هیئت حقیقت‌یاب بین‌الملل اسلامی برای آشکار شدن زوایای پنهان این فاجعه انتقاد کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵) تأثیر عمیق این حادثه بر خصمانه شدن مناسبات دوجانبه و کنش‌های منفی آنها کاملاً مشهود بوده است.

۴. تغییر در حاکمیت عربستان سعودی:

ظهور شاهزاده محمد بن سلمان در عرصه قدرت و سیاست در سال ۲۰۱۵ میلادی پس از اینکه پدرش ملک سلمان او را به عنوان معاون ولیعهد انتخاب کرد،

سوریه، ایران و عربستان در دو سوی معادلات داخلی این کشور قرار داشتند. ایران مستقیماً و آشکاراً از دولت اسد حمایت میکرد و برای مقابله با مخالفان به دولت اسد کمک‌های نظامی، مستشاری و اعزام نیرو انجام میداد. اعتقاد مقامات ایران بر تقویت جبهه مقابله با اسرائیل که سوریه بخش مهمی از آن بود، موجب گشت تا وجود شخص اسد در قدرت برای ایران دارای کمال اهمیت باشد. از طرف دیگر اکثر مخالفان اسد از گروه‌های افراطی بودند که مقابله با آنها کاملاً قابل توجیه بود. دولت عربستان، سوریه را متحد ایران میدانست که در راستای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی و ایجاد هلال شیعه در منطقه فعالیت میکند. عربستان معتقد بود که سوریه از مهمترین مسیرهای انتقال کمک‌های ایران به حزب الله و حماس است؛ زیرا سوریه از به ندرت متحدین استراتژیک ایران در منطقه میباشد که با سیاست جمهوری اسلامی پیرامون اسرائیل همسو است. بنابراین براندازی یا تضعیف نظام سوریه میتواند ضمن از دست دادن برگ برنده ایران در نفوذ منطقه‌ای، موازنه قدرت را به نفع عربستان تغییر دهد. لذا عربستان با سیاست‌ها و اقدامات متنوع خود سعی داشت تا موازنه قدرت را به نفع خود تغییر دهد. (خدابخشی، ازغندی و هرمیداس باوند، ۱۳۹۹: ۷۸)

با تسلط نسبی دولت اسد بر مناطق کشور و تضعیف مخالفان، به تدریج سیاست کشورهای عربی و به ویژه عربستان تغییر کرد. درک عربستان به واقعیت وجود اسد در قدرت منجر به ابزار تمایل این کشور به برقراری مجدد روابط آنها شد. سفر وزیر خارجه عربستان به دمشق و شرکت رییس جمهور سوریه در اجلاس اتحادیه عرب در ریاض به منظور بازگرداندن سوریه به محیط عربی موجبات تضعیف یکی از مهمترین جبهه‌های خصمانه در روابط ایران و عربستان شد. (عریضی میبدی و صفوی، ۱۴۰۱: ۱۶۵)

۲. خروج آمریکا از افغانستان: عربستان سعودی از مهمترین متحدان استراتژیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است و ریاض به جهت تامین امنیت و پیگیری استراتژی‌های منطقه‌ای خود همواره به حمایت‌های واشنگتن وابسته بوده

ای از جمله روابط میان ایران و عربستان گذارده است. از منظر عربستان توافق هسته‌ای (برجام) علیرغم تلاش برای منع ظهور ایران به عنوان یک قدرت هسته‌ای، منجر به تقویت آن شده است. همچنین مقامات عربستانی معتقدند که دستیابی ایران به منابع مالی ناشی از این توافق، منجر به تشدید جنگ‌های نیابتی در منطقه شده است. (کریمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۲) لذا ترجیح کشورهای مانند عربستان، تداوم انزوای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی بود تا تأثیرات سوء افزایش توانمندی‌های ایران و گسترش حوزه نفوذ آن کنترل شود. (خیری و محمدی، ۱۳۹۶: ۹۷)

این گونه میتوان بیان کرد که در تحلیل نهایی، هرگونه عادی سازی روابط ایران با جامعه جهانی منجر به افزایش توانمندی‌های ایران شده و با توجه به پتانسیل داخلی و ظرفیت‌های بکر کشور، تأثیر مستقیمی بر عدم تعادل در موازنه قدرت میان ایران و عربستان خواهد داشت. لذا تحریم‌های اقتصادی و منزوی ساختن ایران، امکان تبلور و شکوفایی اقتصادی و سیاسی کشور را سلب خواهد کرد.

کنش‌های زنجیره‌ای منجر به برقراری مجدد روابط

مناسبات میان عربستان و ایران در سالهای اخیر شاهد توالی کنش و واکنش‌های منفی بوده که ضمن قطع روابط دوجانبه، منجر به تنش‌های فزاینده شده است. این تنش‌ها آستانه‌ای را لمس کرده که برای دو طرف کاملاً بدیهی گشت که حذف هر یک از دو کشور از معادلات منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست؛ لذا طرفین از نیات حداکثری خود دست کشیده و در مسیر عادی سازی روابط گام برداشتند. بنابراین سلسله کنش‌هایی که منجر به قطع روابط و رویکرد خصمانه میان ایران و عربستان شده است، در مسیر دیگری قرار گرفت و در نهایت اراده طرفین به برقراری مجدد روابط، گونه‌ای دیگر از کنش‌های زنجیره‌ای را موجب گشت. در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۱. ثبات نسبی در سوریه: در بحران داخلی

با سیاست نگاه به شرق^۳ خود دارای روابط گسترده ای با چین است. این وضعیت ضمن ایجاد تعمیق روابط خاورمیانه ای چین، به این کشور امکان ورود به مناسبات میان ایران و عربستان را داد که در نهایت با پایداری آن زمینه برقراری روابط عادی میان دو کشور را فراهم شد. (حیدری، ۱۴۰۰: ۱۱۷)

پکن بر خلاف واشنگتن طی سال‌های گذشته ثابت کرده که اولویت‌های خود در حوزه سیاست خارجی را بیش از مواردی چون مداخله نظامی و سیاسی در کشورهای آسیای میانه، خاورمیانه و حتی اروپا و آمریکا، بر اساس تعاملات اقتصادی تنظیم کرده و علاقه چندانی به مداخله نظامی یا مطرح کردن ارزش‌های غربی ندارد. در حقیقت، تنها ارزش کلان تعریف شده در ادبیات سیاسی چین، سود اقتصادی و تعامل تجاری است. لذا رویکرد عدم ورود به مسائل ارزشی از سوی چین برای ایران و عربستان دارای جذابیت است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر سعی داشت با استفاده از تئوری واکنش‌های زنجیره‌ای، روابط میان دو کشور عربستان و ایران را مورد بررسی قرار دهد. همانطور که آمد، فرآیند در روابط این دو کشور از قطع روابط تا عادی شدن آن موجد توالی پدیده‌هایی بوده که با نیت دوطرف به وقوع پیوسته است. تفاوت در منطق دو طرف پیرامون منطقه ایده آل، اراده لازم برای کنش و واکنش‌های پی در پی را فراهم آورد که در نهایت به قطع روابط و مناسبات دوجانبه انجامید. از طرفی درک مشترک از واقعیت‌های جاری و هزینه دار بودن روابط خصمانه، دو کشور را به سمت کنش‌های موکول به عادی سازی روابط پیش برد. بر اساس استعاره نظریه واکنش‌های زنجیره‌ای، گلوله برفی که با اراده تصمیم سازان رها گردید، با توجه به وجود بستر لازم ابعاد گسترده تری گرفت و در نتیجه نهایی موجب قطع و برقراری روابط شد. پر واضح است که میتوان مسائل دیگری را در چگونگی و سمت گیری رویکرد دوطرف دخیل دانست. مسائلی مانند توافق برخی از

است. از طرف دیگر عربستان نقش تعیین کننده ای را در تنظیم قیمت بازار انرژی بازی کرده است. امروزه تاثیر تعیین کننده آمریکا در معادلات منطقه ای با حضور فیزیکی این کشور رابطه ای مستقیم دارد. روابط میان عربستان و آمریکا در زمان ریاست جمهوری ترامپ بسیار گرم بود و ریاض مستظهر به حمایت‌های آمریکا با شدت به رقابت‌های منطقه ای با ایران میپرداخت. خروج آمریکا از افغانستان پیام مایوس کننده ای به عربستان بود و موجبات این پیامد شد که ضمن تنوع بخشیدن به سبد امنیتی، می بایست با رویکردی معتدل تر با ایران مواجه شود. خروج آمریکا از افغانستان و سقوط دولت آن کشور، احتمال عدم حمایت واشنگتن را در مناسبات منطقه ای در ذهن حکام ریاض تقویت کرد و با درک این واقعیت که حذف ایران از معادلات منطقه ای ممکن نیست و در تحلیل نهایی بهترین راه برای امنیت پایدار، پذیرش کنشگری منطقه ای ایران است، عربستان را به کاهش تنش با ایران متمایل کرد.

۳. گسترش مناسبات چین با دو طرف:

منطقه خلیج فارس از دستکم طی ۷۰ سال گذشته، حوزه نفوذ واشنگتن به حساب می آید. ایالات متحده صرف نظر از مخالفت‌های شدید کشورهای چون ایران، دارای پایگاه نظامی، دفاتر متعدد تجاری و روابطی گرم با حکام این منطقه است و این روابط طی سال‌های اخیر و دستکم تا پایان دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، در بهترین وضعیت خود قرار داشت. عربستان که برای دهه‌ها از مهمترین متحدان منطقه ای آمریکا است، برای پیشبرد اهداف منطقه ای خود همواره از حمایت‌های آمریکا بهره مند بوده است. به دلایلی از جمله عدم پشتیبانی مد نظر حکام سعودی پیرامون حمله پهبادی به آرامکو و خروج از افغانستان، عربستان به سمت تنوع بخشی به سبد امنیتی و اقتصادی خود برآمد، به گونه ای که در کنار آمریکا قدرت‌های دیگری مانند چین را وارد مناسبات خود کرد. چین هم به دنبال دسترسی با ثبات به انرژی و پیگیری پروژه راه ابریشم به دنبال بسط روابط با عربستان برآمد. از طرف دیگر ایران

/1394070900670/farsnews.ir/news

دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال، رستمی، فرزاد، & دانش نیا، فرهاد. (۱۴۰۰). چشم انداز روابط ایران و عربستان؛ سناریوهای آینده و راهکارها. سیاست جهانی، ۱۰(۲)، ۲۸۸-۲۴۵. doi: 10.22124/wp.2021.19605.2831

زنگنه، پیمان، & حمیدی، سمیه. (۱۳۹۵). بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کشگری ایران و عربستان در بحران یمن. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵(۱۸)، ۱۶۹-۱۴۳. doi: 10.22054/qps.20166801

سیفی، عبدالمجید، & پورحسن، ناصر. (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۱(۴۱)، ۳۷-۶۳. شفیع، صادق، منتظرالقائم، اصغر، & چلونگر، محمد علی. (۱۳۹۶). واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. پژوهش‌های تاریخی، ۹(۱)، ۲۲-۱. doi: 10.22108/jhr.2017.21388

ضرغامی، برزین، شوشتری، سید محمد جواد، & انصاری زاده، سلمان. (۱۳۹۳). ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۶(۱)، ۲۱۴-۱۹۷. doi: 10.22059/jhgr.2014.50600

عالیشاهی، عبدالرضا، برزگر، ابراهیم، خرمشاد، محمدباقر، & رهبر، عباسعلی. (۱۴۰۱). تشدید سیاست تقابل گرای عربستان سعودی با ایران از زمان ولایتعهدی بن سلمان. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۲۰)، ۱۶۸-۱۳۷. doi: 10.22070/iws.2022.15197.2129

عریضی میبدی، سید مرتضی، & صفوی، سید حمزه. (۱۴۰۱). الگوهای دوستی و دشمنی و روابط عربستان سعودی و سوریه در مجموعه امنیتی غرب آسیا. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۳)، ۱۹۳-۱۶۳. doi: 10.22034/fr.2022.164287

عزیزی، محمود. (۱۳۹۲). «کلید» روحانی و قفل رابطه با عربستان. خبر آنلاین. ۱۰ مهر ماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news/315497>

کشورهای عربی منطقه با اسرائیل، تحریم قطر توسط عربستان، وضعیت یمن و نیاز به کاهش تنش ها در روابط منطقه ای ایران و غیره. بنابراین میتوان هر یک از آنها را نیز مورد مذاقه قرار داد و تاثیر آنها را در روابط دو کشور عربستان و ایران دخیل دانست. اما در تحلیل نهایی میتوان گفت که اگرچه ماهیت ایدئولوژی حاکم در تهران و ریاض به عنوان رهبران جهان شیعه و سنی، همواره مانع از شکل گیری همگرایی در سطوح بالا میان آنها می شود، اما به نظر می رسد رهبران دو طرف دستکم در شرایط فعلی به این نتیجه رسیده اند که حداقل می توان از میزان تنش های سیاسی کاسته و نوعی همکاری اقتصادی را جایگزین آن نمود که برای دو طرف سودمند باشد.

منابع

جعفری، علی اکبر. (۱۳۹۲). استراتژی «موازنه تهدید» و امنیت دولت های اسلامی منطقه خاورمیانه. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲(۷)، ۱۱-۳۴. جهانگیری، سعید، ازغندی، علیرضا، & گروسی، ناصر. (۱۳۹۸). بررسی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاور میانه (اهداف و منافع). فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۱۱(۳۸)، ۴۹-۳۵. doi: 10.30495/pir.2019.664714

حیدری، مهدیه. (۱۴۰۱). دلایل توسعه روابط خارجی عربستان سعودی و چین. پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۱۱(۱)، -۱۱. doi: 10.22067/irlip.2022.214200

خیبری، کابک، & محمدی، منوچهر. (۱۳۹۶). تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۰(۳۷)، ۸۳-۱۰۴. خدابخشی، لیلا، ازغندی، علیرضا، & هرمیداس باوند، داوود. (۱۳۹۹). سیاست خارجی ایران و عربستان درباره تحولات سوریه (۲۰۱۹-۲۰۱۱). فصلنامه مطالعات بین المللی، ۱۷(۲)، ۹۵-۷۷. doi: 10.22034/isj.2020.118578

خبرگزاری فارس. (۱۳۹۴). جدیدترین لیست ۴۶۵ قربانی ایرانی فاجعه منا منتشر شد. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۷/۹. بازبینی شده در: <https://www.>

(۹۵)، ۷-۳۲.

یورو نیوز فارسی. (۲۰۲۳). ولیعهد «تنش‌زا و جنجال‌آفرین» عربستان؛ آیا محمد بن سلمان پس از سال‌ها جنگ دنبال صلح است؟. یورو نیوز فارسی، ۲۰۲۳/۴/۳. <https://parsianews.com/saudi-prince-03/04/2023/euronews.com-pivots-to-peace-after-years-of-war>
یورو نیوز فارسی. (۲۰۲۳). آغوش باز عربی برای بشار اسد؛ بازگشت سوریه به «محیط عربی» چگونه رغم خورد؟. یورو نیوز فارسی، ۲۰۲۳/۵/۱۹. بازبینی شده در:

<https://parsianews.com/19/05/2023/then-and-now-how-arab-states-changed-course-on-syria>

The New York Times. (2017). Dialogue With Iran Is Impossible, Saudi Arabia's Defense Minister Says. The New York Times, 2017/5/2. Available at: <https://www.nytimes.com/2017/05/02/world/middleeast/saudi-arabia-iran-defense-minister.html>.

Walt, Stephen. (1987). The Origins of Alliances. New York: Cornell University Press.

کرمی، علی، & اقارب پرست، محمدرضا. (۱۴۰۱). ادراک تهدید در روابط ایران و عربستان در خاورمیانه و آسیای مرکزی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۱۸)، ۱۳۹-۱۶۵.

کریمی، غلامرضا، منوری، سید علی، میرترابی، سعید، & شریفی، پرویز. (۱۳۹۷). برجام و تأثیر آن بر کنش‌های اقتصادی عربستان سعودی در مقابله با ایران. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۶)، ۹۷-۱۱۹. doi:10.22054/qpps.2018.23296.1673

معراجی، ابراهیم، & دهشیار، حسین. (۱۴۰۱). سیاست بسط و تعمیم در مذاکرات ایران و آمریکا از منظر کارکردگرایی. مطالعات خاورمیانه، ۲۹(۲)، - . مقام معظم رهبری. (۱۳۹۵). پیام به مسلمانان جهان به مناسبت فرارسیدن موسم حج. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. ۱۳۹۵/۶/۱۵. بازبینی شده در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=34269>

نجفی سیار، رحمان، & قلخانباز، خلیل. (۱۳۹۶). دلایل و نشانگان رویکرد تهاجمی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۹(۳)، ۱۶۲-۱۶۹.

یزدانی، عنایت‌الله. (۱۳۹۵). تأثیر بحران‌های داخلی عربستان بر وقوع و مدیریت فاجعه منا. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، ۱۹(شماره ۷۳ - بهار

رتال جامع علوم انسانی